

یادی از امام جماعت مسجد ولی عصر^(عج) که بعد از ۲۰ سال پدری برای اهالی، به تازگی به رحمت خدا رفت

وداع با خادم محله

یاد آشنا

نبود. بیانش مخاطب را جذب می کرد؛ وقتی بر منبر می نشست، آرامش همه فضا را می گرفت. یادم است چند سال پیش، از جواد فروغی، قاری بین المللی قرآن که هم محله ای ماست، دعوت کردیم به مسجد بیاید. آقای فروغی بعدها به من گفت با وجود حضور در مساجد متعدد، شخصیت حاج آقا فانی و قرأت دل نشین نمازش، او را مجذوب کرده بود.

● گره گشای مردم محله

حسن زاده در ادامه به فعالیت های اجتماعی مرحوم اشاره می کند و می گوید: خیریه مسجد ولی عصر^(عج) بامدیریت ایشان کارهای بزرگی انجام داد، از آزادسازی زندانیان تا گره گشایی از خانواده های محله. اما مهم تر از کارهای اجرایی، شیوه برخورد ایشان با جوانان و نوجوانان بود. مرحوم حاج آقا فانی بلد بود با جوان ها چطور حرف بزند، طوری که آن ها جذب مسجد می شدند.

او هم در گفت و گویش تأکید می کند: امام جماعت مسجد با اینکه سال ها با بیماری سخت درگیر بود، روحیه جهادی اش را حفظ کرده بود. حتی وقتی از بیمارستان مرخص می شد، به مسجد می آمد و در برنامه ها حضور داشت.

این کنشگر فرهنگی با اندوه درباره مراسم تشییع می گوید: روز اربعین مردم واقعا سنگ تمام گذاشتند. پیکر حاج آقا را به مسجد آوردیم و در فضایی غم انگیز با او وداع کردیم. حالا مرحوم حاج آقا فانی در قطعه ۴۸ بهشت رضا^(ع) آرام گرفته است.

برای نو عروسان، همه زیر نظر مستقیم حاج آقا انجام می شد. او می گوید: مرحوم فانی شصت سال بیشتر نداشت، سال ها با بیماری سرطان و مشکلات جسمی دست و پنجه نرم کرد، اما بیماری هم مانع رفت و آمد او به مسجد نشد. اوایل سال جاری که بیماری اش شدت گرفت، دیگر توان حضور نداشت. اما تا آخرین روزهایی که می توانست، حتی با حال نامساعد هم خودش را به مسجد می رساند.

● صدایش آرام بخش بود

مسئول فرهنگی مسجد ولی عصر^(عج)، حاج آقا فانی را یک کارشناس مجرب در حوزه اخلاق معرفی می کند که جای خالی اش هرگز پر نخواهد شد.

زهره حسن زاده می گوید: مرحوم حاج آقا فانی فقط یک پیش نماز

حمیده صفائی ادرست در شب اربعین حسینی، وقتی صدای روضه و عزاداری در کوچه پس کوچه های محله راهنمایی به گوش می رسید، این محله یکی از ستون های معنوی اش را از دست داد. حجت الاسلام والمسلمین عبد الجواد فانی، امام جماعت محبوب این مسجد، که معتمد اهالی محله بود، پس از تحمل سال ها رنج بیماری، در شب اربعین دعوت حق را لبیک گفت.

● فقط امام جماعت نبود

یکی از نمازگزاران قدیمی مسجد که بیش از سی سال است در مسجد ولی عصر^(عج) رفت و آمد دارد، وقتی از مرحوم حجت الاسلام والمسلمین فانی می گوید، صدایش می لرزد. فاطمه ابراهیم پور او را تنها یک امام جماعت نمی داند؛ بلکه معتقد است مرحوم حاج آقا امین مردم محله بود و شاید در محله شبیه او را نتوان پیدا کرد.

او تعریف می کند: حدود بیست سال حاج آقا فانی امام جماعت مسجد ما بود. ارتباطش با نمازگزاران فراتر از این بود که فقط برای نماز خواندن بیاید. ایشان برای همه عزیز بود، به ویژه جوانان و نوجوانان که با برنامه های فرهنگی آن ها را جذب مسجد می کرد.

ابراهیم پور ادامه می دهد: در مسجد ما به همت ایشان، نود خانوار تحت پوشش بودند؛ شصت خانوار در قسمت خواران و سی خانواده در قسمت برادران. از تهیه بسته های معیشتی و وام های ضروری گرفته تا تأمین جهیزیه



نوجوان کاراته کار محله نوده، از مطالعه کتاب ها، درس های مهمی گرفته است

شهدا، الگوی شجاعت مینا

● کدام بخش کاراته را بیشتر دوست داری؟

کومیته یا همان مبارزه، چون به مبارزه علاقه دارم. برایم ارزشمند است آن قدر قوی باشم که از حریف مقابلم هراسی نداشته باشم و با اعتماد به نفس مبارزه کنم.

● برای آینده ورزشی ات چه برنامه ای داری؟

می خواهم مربی شوم. آموزش به کودکان را خیلی دوست دارم و این کار حس خوبی به من می دهد. در کنار آن می خواهم با تلاش و پشتکار به تیم ملی برسم و در مسابقات المپیک شرکت کنم.

● چه کسی الگوی توست؟

مربی ام، مبینا قلندرآبادی، خیلی برای ما زحمت می کشد. در زمان مسابقات به ما آرامش می دهد و از ما می خواهد تمرکزمان را روی حریف بگذاریم و از روبرو به روشدن با او نترسیم.

● به جز ورزش فعالیت دیگری هم داری؟

به کتاب خواندن علاقه دارم. به خصوص مطالعه درباره زندگی شهدا را دوست دارم. «حاج قاسمی که من می شناسم»، «قهرمانان ایران» و «قصه های خوب بچه ها»، از بهترین کتاب هایی بوده اند که خوانده ام.

● چرا به زندگی شهدا علاقه مند هستی؟

با خواندن خاطرات و آشنایی با روزهایی که آن ها پشت سر گذاشته اند، از زندگی شان درس می گیرم. شجاعت، ایثار و از خودگذشتگی، مهم ترین درس هایی هستند که از مطالعه این کتاب ها یاد گرفته ام. آن ها به ما می آموزند که چطور برای حفظ و سربلندی کشورمان تلاش کنیم.



می شد، شرکت کنم. خوشبختانه توانستم در همان مسابقه، مدال طلای رده سنی نونهالان در وزن ۲۸ کیلوگرم را کسب کنم. این اتفاق باعث شد انگیزه بیشتری برای ادامه تمرینات پیدا کنم.

● چه مدال های دیگری تاکنون کسب کرده ای؟

در مجموع ۶ مدال طلا و یک مدال نقره در مسابقات استانی و کشوری دارم. در مسابقات استانی سال ۱۴۰۳ که در مشهد برگزار شد، مقام اول را به دست آوردم. در مسابقات کشوری سال ۱۴۰۴ که در مشهد برگزار شد، هم توانستم مقام سوم را کسب کنم.



صدرا مبینا نوریان فر فقط یازده سال دارد، اما چند سالی است که ورزش بخش مهمی از زندگی اش شده است. این دانش آموز کلاس ششم محله نوده، ورزش را از کودکی با ژیمناستیک آغاز کرد و چهار سال است که روی تاتامی کاراته تمرین می کند. حاصل این سال ها، کسب ۶ مدال طلا و یک مدال نقره در مسابقات استانی و کشوری رشته کاراته است؛ مدال هایی که برای مبینا پایان راه نیستند. او حالا کمربند سبز دارد و می خواهد با تلاش و پشتکار به تیم ملی برسد و روزی در المپیک مسابقه دهد.

● ورزش را از چند سالگی شروع کردی؟

از چهار سالگی ورزش را با رشته ژیمناستیک شروع کردم. این ورزش کمک می کند انعطاف بدنی بیشتری داشته باشم و همین موضوع باعث شد بعدها در کاراته، تکنیک ها را بهتر یاد بگیرم و اجرا کنم.

● چه شد که سراغ کاراته رفتی؟

مادر من مربی سالن است و چند جلسه به دعوت او برای دیدن مسابقات بین بچه های باشگاه رفتم. از همان زمان به این رشته علاقه مند شدم و تصمیم گرفتم تمرینات کاراته را شروع کنم.

● از چه زمانی به مسابقات رفتی؟

دو ماه پیشتر از شروع تمریناتم نگذاشته بود که مربی پیشنهاد داد در مسابقات استانی که در قوچان برگزار